



بیت‌خانه خِخَلَقَتْ

- انعکاس کرامت گوهر خلقت
- مختصات وجودی دختر مسلمان و الگوی سوم زن
- پیش از همه
- معرفی کتاب

مدیر مسئول: جلال شکوهی

سر دبیر: راضیه کریمی

نویسندگان:

فاطمه بیگی

محبوبه صادقی‌نیا

فاطمه قربانی‌زاده

راضیه کریمی

معصومه مؤمنی

فروردین ۱۴۰۵

انعکاس کرامت گوهر خلقت

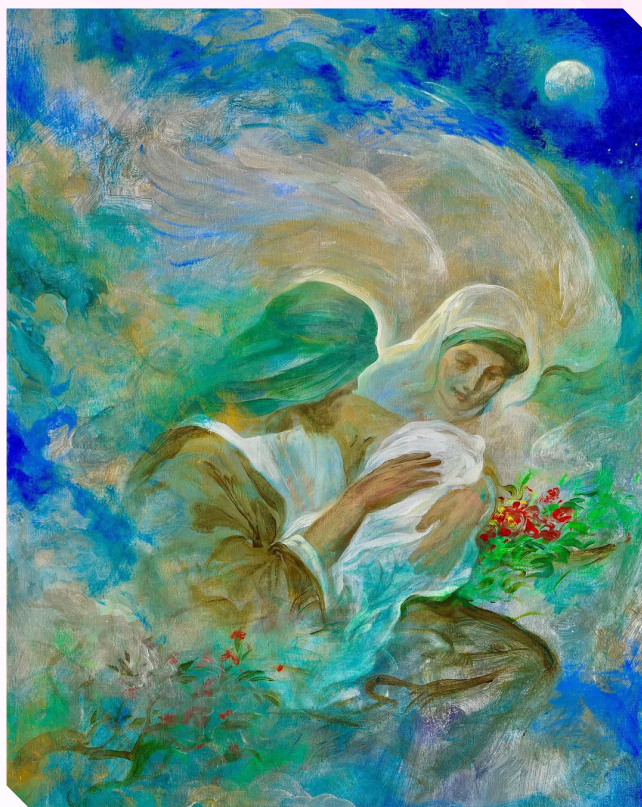
راضیه کریمی - بهداشت حرفه‌ای ۱۴۰۱

از حیات معنوی و علمی به آن شهر خاموش گشته و با جذب گسترده‌ی عالمان و بزرگان از هر کران زمین، عنصر اصلی تبدیل آن به روح سرزمین پارس شد.

نگارگری کلمات زندگی این بانو در کتاب تاریخ، تواضع مردان بزرگ در برابر تالو شکوهشان و تفاخرشان نسبت به این گنجینه‌ی عظیم، جایگاه حقیقی زن مومن در جهان اسلام را به تصویر می‌کشد و به دختران طاهره و مطهره‌ی سر تا سر این کتاب عظیم، سرمشق بی‌بدیل سعادت را در مقابل ردای دروغین مدرنیته می‌نماید.

جسم این یاس مطهر نیز پس از وداع با حقیقت وجود، در مدفن خود با جلای حضورش، باعث تجلی گسترده‌ی پرتوی بی‌همتایی

حضرت معصومه (سلام الله علیها)، جلوهای از شعاع نور آفرینش جنس لطیف زن، این گوهر خلقت است



ایشان در زمان زندگی کوتاه اما پر ثمر خود، آینه‌ی درخشش علمی و اعتقادی و این مخلوقات ظریف و با صلابت بود؛ تامل در زندگی الهام‌بخش ایشان، هویداگر جلابخشی وجود زنان در زمانه‌های تاریک تشیع و نجات کشتی امت از طوفان‌های تباه‌گر و دشمنان و دوستان تزویر است. همانی که در غیاب پدر و برادر بزرگوارشان، مشعل دار راه ایمان و پیشوای امت گردید و پژواک «فداها ابوها» را بار دیگر در تاریخ طنین انداز نمود.

مختصات وجودی دختر مسلمان و الگوی سوم زن

معصومه مؤمنی - هوشبری ۱۴۰۱

این روزا، لازمه این تعریف‌ها رو از نو بنویسیم. نه فقط برای اینکه دیگران بفهمن ما کی هستیم، بلکه برای اینکه خودمون بدونیم قراره چی باشیم. و این خیلی قشنگه که آدم بدونه نقشش قراره ساختن باشه، نه فقط بودن.

روز دختر، فقط یه تبریک نیست. یه تلنگره برای اینکه یادمون بیاره کی هستیم و چی می‌تونیم باشیم؛ نه شبیه آنها، نه اسیر گذشته؛ من، الگوی سوم!

باشیم، تصمیم بگیریم، اثر بذاریم. همون‌طور که خیلی از زن‌های بزرگ تاریخ‌مون این‌طور بودن. نه فقط با حجابمون، که با فکر، با کار، با انتخاب‌هامون.

الان که دارم اینا رو می‌نویسم، فکر می‌کنم دختر بودن یعنی اینکه بدونی قوی بودن با نجابت تناقضی نداره. که بشه هم لطیف بود، هم استوار. هم اهل زندگی بود، هم اهل مسئولیت. دختر مسلمان، یعنی کسی که خودش رو گم نمی‌کنه، چون به جای اینکه دنبال تأیید بیرون باشه، از درون روشنه.

روز دختر که می‌رسه، همه یه‌جور خاصی یادشون می‌افته که دختر بودن فقط یه جنسیت نیست. یه مسیر خاصه، یه هویت که تو دل خودش کلی معنا داره. مخصوصاً اگه دختر این سرزمین باشی، دختر مسلمونی که داره سعی می‌کنه نه شبیه کلیشه‌های غربی باشه، نه توقاب تنگ سنت‌های تحریف‌شده بمونه. یه جور دیگه، یه «الگوی سوم»؛ یه راهی که از دل ایمان و عقل و اراده می‌گذره.

ما دخترا قراره فقط نقش مکمل نباشیم. قراره تو صحنه

هدی (زن ایرانی، سربلند در همه میدان‌ها)

فاطمه قربانی‌زاده - دندانپزشکی ۱۴۰۱

کشورمان را به درستی با معارف اصیل اسلامی آشنا کنیم. معارفی که بر آمده از الگو برداری از بانوانی همچون حضرت فاطمه (س)، حضرت زینب (س) و حضرت معصومه (س) است، و تجلی تأثیرگذاری و تاریخ‌سازی در عین عفت و شرافت است.

همانطور که رهبر انقلاب تاکید دارند، آن کسی که باید شأن اسلامی زن را بشناسد و از آن دفاع کند، در درجه اول خود ما بانوان هستیم.

خدا و قرآن چه مسئولیتی برای تو، ای ریحانه خلقت در نظر دارند؟

به راستی «که زن با نقاط قوت زنانگی خود که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است، همراه با ایمان عمیق و استقرار

نگاه پدران و سرشار از تلافی رهبری در رابطه با بانوان بر هیچکس پنهان نیست

در دنیایی که پیشرفت زنان را در گرو رهایی از قيود شرعی و اخلاقی می‌بینند، ایشان زن ایرانی را در عمل تکذیب کننده این ادعا می‌دانند.

«زن ایرانی توانست از هویت کشور، فرهنگ کشور صیانت کند؛ توانست از سنت‌های تاریخی و اصیل کشور صیانت کند؛ با متانت خودش، با حیای خودش، با عفتی که به خرج داد. در دانشگاه وارد شد، در فعالیت‌های سیاسی وارد شد، در فعالیت‌های بین‌المللی وارد شد، اما فاسد نشد؛ این خیلی مهم است.» (رهبر انقلاب)

از نگاه ایشان در هر میدانی که بانوان مسئولانه وارد شوند، پیشرفت در آن حیطه چند برابر خواهد شد، البته تمام این‌ها در گرو آن است که جامعه بانوان

حاج قاسم‌ها و سنوارها را رها کرده و دغدغهی مطرح شدن، خانه‌ای با زیر بنای بیشتر و اتومبیلی مدل بالاتر را در رویاهای خود پیروانیم؛ و چند صباحی بعد، همه را رها کرده و در اتاقی خاموش و باریک آرام بگیریم

و در آخر
«أَكثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ»
«بیشتر خوبی‌ها در زنان است»

ناشی از اتکاء به خداوند، با عفت و پاکدامنی که فضای پیرامون او را نورانیت میبخشد، می‌تواند در جامعه یک نقش استثنائی ایفا کند که هیچ مردی قادر به ایفای چنین نقشی نیست.» (رهبر انقلاب سال ۱۳۸۴)

و جان کلام پدر امت در رابطه با بانوان «مادری» را از بزرگ‌ترین موفقیت‌های عالم می‌داند و چه حیف که تحت تاثیر تبلیغات غربی که تنها مدرک، شغل و پول را موفقیت میبینند، گنج گران‌بهای تربیت

پیش از همه

فاطمه بیگی - بهداشت مدارس ۱۴۰۳



بود، همچنان ادامه داشت.
اما معصومه،

کانه شعله‌های گداخته‌ی قلب او سوزنده تر از آتش افروخته‌ی دل لبنان بود. لبنان برای معصومه شهر عشق بود و عاشقی، صحنه نبرد و خیرگی، راز آرزو بود و خاطره‌هایش.

اما روایت مادر معصومه، روایت بغض آلود دل‌تنگی‌ست؛ روایت قلبی‌ست که با شنیدن خبر شهادت، در چهار دیواری تن به تنگنا آمده.

او افتخار می‌کند که شهیده‌ای را تربیت کرده،

نماز یافتند. نمیدانم او در میان مناجات‌های خود با معبودش چه گفت و چگونه دل برد، اما همان سکوی پروازی شد برای عروج او.

پدر معصومه روایت از هدیه‌ای می‌کند که به دست صاحب اصلی‌اش رسیده است و معصومه‌اش را با تشنگی او برای این وصال به یاد می‌آورد؛ آنقدر که معیار انتخاب همسر باشد برایش.

پدر آنچه را که باید، به فرزندش گوشزد می‌گوید:

که راه دور است و کشور غریب؛

این نگرانی‌های پدران‌ه پس از ازدواجی که ثمره‌اش پنج فرزند

روایت‌ها همیشه صحبت از دویدن‌ها و نرسیدن‌ها دارند. اما ما امروز دست به روایتی می‌زنیم که به رسیدن ختم می‌شود؛ رسیدنی از جنس خودش.

روایتی میان سکوت و صدا...

به دنبال جرعه‌ای معرفت از او، پر تبوتاب صفحات مجازی را مطالعه می‌کردم که تیتراژ «آرزو ماند و به آرزویش رسید...» چشمانم را زینت بخشید.

شاید بهتر باشد سفر کنیم به مهم‌ترین شب زندگی هر دختر که عروس و داماد را پس از ساعت‌ها جست‌وجو، در حال

لیک اشک دلتنگی برای
دلبنده از صورتش جاریست.

مادر استوار می‌ایستد؛ بغض
خود را بلعیده، اشک را از چشمانش
زوده و میگوید: این راهی بود که
خودشان انتخاب کردند.

و معصومه میبیند همه‌ی این
روایت‌ها را...

چه میشود که در اتاق فکریایی
در آن سوی دنیا، هدمند مرگتان
را برنامه ریزی می‌کنند؟!

ماجرا به همین سادگی که در
خبرگزاری‌ها می‌خوانیم نیست؛
وصف او اولی تر از معنای محدود
بازی با کلمات است.

و شاید گام نهادن در مسیر
درست رسالت، معنای دنیایی‌اش
همین باشد.

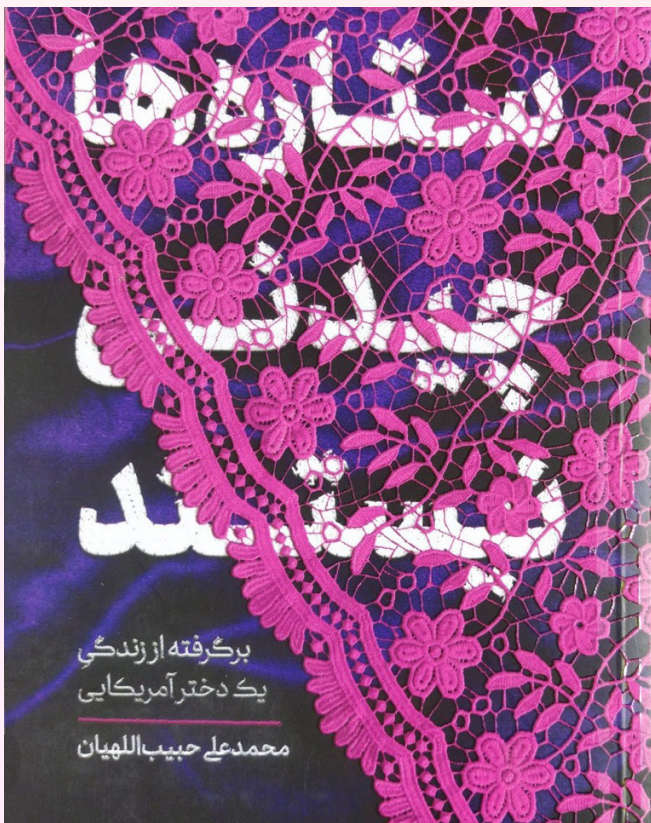
معتقد بودم معصومه را باید
انسان‌های بزرگ با قلم‌هایی
ماندگار روایت کنند؛ اما دست
تقدیر، حقیر را برگزید؛ با امید

روایت دوباره از او، باید نوشت.
روایتی به شکوه زندگی واقعی او
او پیش از همه ماهایی که این
متن را می‌خوانیم بوده و بعدها
همچنان خواهد ماند؛ فرا سوی
وقایع تاریخ...

و من امیدوارم؛ به معصومه که
اولین قصه ملموس دختر ایرانی
و مقاومت بود. و معصومه‌ها
همچنان ادامه دارند...

معرفی کتاب: ستاره‌ها چیدنی نیستند

محبوبه صادقی‌نیا - صنایع غذایی ۱۴۰۰



ویل دورانت می‌گه: «اگر حتی ادیان درباره پوشش
زن دستوری نداشتند، این خود زن بود که بدون
هیچ آموزشی در طول تاریخ، با فطرتش درک کرد
که هرچه خود را پوشیده‌تر بدارد، دست نیافتنی‌تر
می‌شود و آن‌چه دست نیافتنی‌تر شود، با ارزش‌تر
می‌شود.»

رمانی جذاب با محوریت موضوع حجاب با نگاهی
فراملیتی و فرادینی.

در قالب داستانی از زندگی یک دختر آمریکایی به
نگارش درآمده است.

که با بیانی شیوا و دلنشین خواننده را به تفکر
درباره مسائل عمیق‌تر زندگی و ادار به خواندن
می‌کند. شخصیت‌های داستان در جستجوی هویت
و درک خود هستند و در این مسیر با چالش‌ها و
موانع مختلفی روبرو می‌شوند.

نگرش جامع نویسنده با پوشش ابعاد مختلف و
بهره‌گیری از اطلاعات روز، بررسی‌های انجام شده
در جامعه غرب، دیدگاه‌های تاریخی جوامع مختلف
در همه اعصار و استناد به آیات الهی و احادیث در
خصوص پوشش، با بیان دو دیدگاه سیاه و سفید
دلایلی برای ضرورت پوشش ارائه شده که برای
همه مردم دنیا قابل درک و قبول می‌باشد. و به
موضوعاتی درباره زنان، همچون حقوق زنان در ادیان
مختلف، توحش غرب علیه زنان، بهره‌گیری دنیای
غرب از زنان، پوشش، عفاف، نگاه جنسیتی زنان
پرداخته است.

خواندن این کتاب مفید، خوب و اثرگذار را به
همه شما عزیزان توصیه می‌کنم.

برشی از کتاب: